



## مجازات قتل عمد در آیینہ تاریخ حقوق

ارسلان اشرافی

معاون منابع انسانی دادگستری کل استان فارس، دانشجوی دکتری تاریخ حقوق،  
دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، مدرس دانشگاه

مجله علمی تخصصی حقوق و علوم قضایی (سال دوم)

شماره ۲۴ / جلد ۱ / خرداد ۱۳۹۶ / ص ۴۵۳-۴۲۸

**چکیده:** قتل عمد فرد اعلاى جرایم علیه تمامیت جسمانی اشخاص است. از دیدگاه تاریخ حقوق، قتل عمد دارای عمری همپای عمر بشر است، از زمانی که بشر پا به عرصه خاکی گذاشت و دست قابیل در اثر ناراحتی و زیاده خواهی به خون برادرش هابیل آغشته شد، ذهن بشر معطوف قتل، این پدیده جزایی شوم و دردناک گردید. به همین خاطر است که در اولین الواح و سنگ نبشته های باقی مانده از روزگاران کهن در می یابیم که شدیدترین مجازات ها که همانا سلب حیات مجرم می باشد برای قاتل وجود داشته است. اگر چه بعض اوقات اصل شخصی بودن مجازات ها در این خصوص رعایت نمی شد و همچنین مجازات سلب حیات با توجه به ویژگی های خاص جانی یا مجنی علیه تبدیل به مجازات دیگری می شده است و لیکن تا مدت ها بعد نیز در نظام های مختلف حقوقی و طی قوانین جزایی همواره سخت ترین واکنش های کیفری برای مرتکب این جرم لحاظ می شده است و هر چند فکر ایجاد شده برای لغو مجازات اعدام در ابتدا جرایمی مانند قتل عمد و خیانت به کشور را شامل نمی شد و لیکن در نهایت تاثیر گذار افتاد و همچون موجی خروشان تمامی جرایم را در بر گرفت، به گونه ای که فقط تا دسامبر ۲۰۰۷ میلادی تعداد ۹۱ کشور مجازات اعدام را به طور کلی از مجموعه قوانین جزایی خود حذف کردند و بسیاری از کشورها هر چند مجازات اعدام را در قوانین جزایی خود دارند و لیکن عملاً سال ها است که از اجرای این مجازات خودداری می نمایند. اما در نظام حقوقی اسلامی، قصاص نفس به عنوان مجازات مرتکب قتل عمد، حق اولیاء دم مقتول است که می توانند این حق را اعمال کنند یا قاتل را عفو نمایند و یا به هر شکل ممکن با قاتل تراضی نمایند.

**کلید واژه ها:** قتل عمد، تاریخ حقوق، قانون نامه های باستانی، ادیان الهی، اعدام، قصاص نفس.



## مقدمه

بر خلاف جرایم علیه اموال، امنیت و آسایش عمومی و نیز جرایم علیه تمامیت جسمانی مادون قتل، که مرتکب حقوق مالی اشخاص را مورد تعرض قرار می دهد یا به صورت مستقیم پیکره امنیتی یا بنیان های اقتصادی یک مملکت را نشانه می رود و یا تعرضی را به جسم مجنی علیه صورت می دهد، در قتل عمد، شخص قاتل، بزه دیده را از بهترین گوهر هستی، یعنی حیات محروم می نماید. به همین لحاظ است که از دیدگاه عقلی و حقوقی و نیز وفق موازین اخلاقی و شرعی، قتل عمد عملی شنیع، پست، مجرمانه و گناهی بس عظیم به شمار می آید.

لذا در این مقاله به بحث پیرامون این موضوع پرداخته می شود که آیا قتل عمد در تمدن های کهن و ادیان الهی نیز جرم بوده یا خیر؟ و در صورت جرم بودن چه مجازاتی برای مرتکب آن لحاظ می شده؟ آیا این مجازات در مورد همه یکسان اجرا می شده یا خیر؟ آیا مراجع قانونی در هر حال مکلف به اعمال این مجازات در مورد مرتکب بوده اند یا امکان اعمال مجازات دیگری در این خصوص بوده است؟

برای پاسخ به سؤالات مذکور، ابتدا به مجازات قتل عمد در قانون نامه های باستانی (قانون اور - نمو، قانون لیبیت - ایشتر، قانون اشوننا، قانون حمورابی و قوانین هیتی ها) می پردازیم و سپس موضوع را در ایران باستان مورد بررسی قرار می دهیم و ضمن بیان مصادیقی از قتل عمد در این دوران به مجازات مرتکب این جرم در تمدن های کهن اروپایی (روم - یونان) پرداخته و به قوانین متفرقه مانند قوانین ژرمن و فرانک، یاسای چنگیزی و احکام و فرامین انگلوساکسون ها در این خصوص اشاره ای خواهیم داشت و در نهایت مجازات مرتکب قتل عمد در ادیان الهی یعنی یهود، مسیحیت و اسلام را بیان و نتیجه گیری خواهیم نمود.

## ۱- مجازات قتل عمد در قانون نامه های باستانی

### ۱-۱- قانون اور - نمو<sup>۱</sup>

تحقیقات صورت گرفته توسط حقوقدانان رشته تاریخ حقوق بیانگر این است که بر خلاف تصور دهه پنجاه میلادی، قانون اور - نمو کهن ترین قانون جهان است که منسوب به اور - نمو پادشاه و بنیانگذار سومین سلسله سرزمین اور است و بعضی آن را به « شولگی<sup>۱</sup> پسر و جانشین او نسبت داده اند.

<sup>1</sup> -Ur -Nammu



این قانون نامه به زبان سومری و حدود ۲۱۰۰ سال قبل از میلاد مسیح نوشته شده است، زمان نگارش این قانون نامه وقتی بود که اور - نمّ دولت شهرهای بین النهرین جنوبی (سومر - آکد) را متحد ساخت. (بادامچی، ۱۳۸۲: ۲۹)

قسمت هایی از این لوح سومری از بین رفته است، اما قسمت های باقی مانده حکایت از این دارد که مجازات مرگ برای مرتکب قتل عمد پیش بینی شده بود. در ماده ۱ این قانون نامه چنین آمده است: «اگر کسی مرتکب قتل شود، آنها آن شخص را خواهند کشت.»

## ۱-۲ - قانون لیپیت - ایشتر ۲

این قانون نامه حدود ۱۹۳۰ قبل از میلاد مسیح و در زمان پادشاهی لیپیت - ایشتر به خط میخی و به زبان سومری روی لوحه گلی نوشته شده است. این لوحه در اوایل قرن بیستم کشف شده است اما به دلایل متعددی به مضمون آن پی نبردند و انتشار نیافت تا این که فرانسیس استیل، معاون سابق موزه دانشگاه پنسیلوانیا، به دستیاری ساموئل نوح کریمر لوحه مذکور را ویرایش و ترجمه کرد و ماهیت حقوقی آن را معلوم نمود. این پادشاه پنجمین فرمانروای نخستین سلسه شهر ایسین واقع در بین النهرین بود. از این قانون نامه مقدمه، مؤخره و تقریباً پنجاه ماده در دست است. (بادامچی، ۱۳۸۲: ۵۷، ۵۸، ۶۰)

با بررسی مواد این قانون نامه به موردی که به صورت مستقیم به مجازات قتل عمد پرداخته باشد برنخوریم ولی در یکی از بندهای این قانون آمده است: «اگر کسی دختر شخصی را مضروب کند و باعث سقط جنین او شود باید ۳۰ شکل نقره توزین و تسلیم کند.» و در بند دیگری آمده است: «اگر آن دختر بمیرد آن مرد کشته خواهد شد.» لذا نتیجه می گیریم که مجازات مرتکب قتل عمد، سلب حیات بوده است.

## ۱-۳ - قانون اشنونا ۳

این قانون متعلق به دوران یکی از پادشاهان اشنونا به نام ددوشا است و مربوط به حدود ۱۷۷۰ سال قبل از میلاد می باشد که به زبان آکدی نوشته شده است.

<sup>1</sup> - Shulgi

<sup>2</sup> - Lipit Ishtar

<sup>3</sup> - Eshnunna



در سال ۱۹۴۸ میلادی طه باقر، رئیس موزه عراق، اعلام کرد که ضمن حفاری در تپه حرمل، دو لوحه قانونی یافته اند که از لوحه لیپیت - ایشتر کهن تر است. این لوحه توسط «آلبرشت گوتزه»<sup>۱</sup> ویرایش و ترجمه شد. (بادامچی، ۱۳۸۲: ۶۱)

طبق ماده ۲۳ این قانون «اگر کسی حقی به عهده دیگری ندارد، اما با این وجود کنیز او را به عنوان تأمین خواسته بگیرد، گروگان را در خانه اش حبس کرده و باعث مرگ او شود، دو کنیز به مالک کنیز خواهد داد.» و طبق ماده ۲۴ همین قانون «اگر او حقی به عهده وی ندارد، اما با این وجود همسر فرد عامی یا فرزند فرد عامی را به عنوان تأمین خواسته بگیرد گروگان را در خانه حبس کرده، باعث مرگ او شود. این جرم مستوجب اعدام است و گروکشی که بی جهت تأمین خواسته کرده، خواهد مرد.»

در این قانون حتی تسبیب در قتل عمد نیز مجازات مرگ را داشته است، به موجب ماده ۵۸ قانون مذکور «اگر دیواری در حال فروریختن است و مقامات محلی این موضوع را به مالک دیوار تذکر داده اند اما او دیوارش را محکم و استوار نکند و دیوار فرو بریزد و در نتیجه باعث مرگ عضوی از طبقه اویلوم<sup>۲</sup> شود، این مورد مستوجب مجازات مرگ است. حکم سلطنتی این گونه معین کرده است.»

با توجه به موارد گفته شده در می یابیم که در این قانون، مجازات اعدام (سلب حیات) برای مرتکب قتل عمد پیش بینی شده بود هر چند که با توجه به طبقه اجتماعی مرتکب و بزه دیده یعنی این که از طبقه اویلوم یا سایر طبقات باشند این مجازات تغییر می کرد. نکته قابل توجه صلاحیت انحصاری پادشاه برای رسیدگی به جرایم مستوجب اعدام بود که در ماده ۴۸ این قانون تصریح شده بود.

#### ۴-۱- قانون نامه حمورابی<sup>۳</sup>

تا قبل از کشف قوانین اور - نمو، لیپیت - ایشتر و اشوننا، تصور عمومی بر این بود که قانون نامه حمورابی قدیمی ترین قانون نامه تمدن بشری است.

<sup>۱</sup> - A.Goetze

<sup>۲</sup> - طبقه آزاد

3 -Hammurabi



قانون نامه حمورابی حدود ۱۷۵۰ سال قبل از میلاد مسیح به دستور حمورابی پادشاه مقتدر بابل نوشته شد. این قانون به خط میخی و بر روی ستونی سنگی از جنس بازالت سیاه به ارتفاع ۲ متر و ۲۵ سانتی متر حک شده و در سال ۱۹۰۲ میلادی در کاوش های صورت گرفته توسط باستان شناسان فرانسوی در شهر تاریخی شوش (پایتخت ایلام باستان) کشف شد و هم اکنون در موزه لوور پاریس نگهداری می شود. این قانون نامه ابتدا به زبان فرانسوی و بعد از آن به زبان های معتبر دنیا ترجمه و در اختیار محققین و پژوهشگران رشته های مختلف علمی قرار گرفته است. قانون نامه مذکور شامل یک مقدمه و ۲۸۲ ماده است که بنا به گفته یکی از آشورشناسان برجسته فرانسوی ستون های این قانون نامه قطعه ادبی درخشانی از زبان حمورابی هستند که به سبک والای مخصوص ادبیات حماسی و غنایی در بین النهرین باستان نوشته شده اند. (بوترو، ۱۳۸۲: ۱۵۹)

در مواد متعددی از قانون نامه حمورابی به بحث قتل به طور کلی و قتل عمد به طور خاص که موضوع بحث این مقاله است پرداخته شده، از جمله در ماده ۱۵۳ این قانون آمده که «اگر همسر شخصی به خاطر مردی دیگر موجبات مرگ شوهر خود را فراهم آورد آنان باید آن زن را به میخ چوبی بکشند.» (حمورابی، ۱۳۷۳: ۵۵)

با توجه به ماده قانونی مذکور، مشخص است که مجازات مرتکب قتل عمد، سلب حیات بوده و حتی شیوه اعمال مجازات نیز مشخص شده بود.

نکته قابل توجه دیگر این است که اگر شخص مدیون یا یکی از اعضاء خانواده اش توسط داین به گروگان گرفته می شد و به صورت طبیعی فوت می کرد، عمل گروکش جرم نبود، اما حسب ماده ۱۱۶ قانون مذکور اگر گروگان گیر در اثر سوء استفاده یا بد رفتاری و کتک می مرد و این موضوع به اثبات می رسید، اگر متوفی پسر مدیون بود، پسر گروگان گیر کشته می شد و اگر برده او بود، گروگان گیر به جریمه مالی محکوم می شد.

بنابراین مشخص است که اولاً اصل شخصی بودن مجازات ها که در حقوق کیفری نوین مطرح است در آن زمان به صورت کامل رعایت نمی شده ثانیاً موقعیت و طبقه اجتماعی جانی و مجنی علیه در تعیین نوع مجازات موثر بوده است. کما این که وفق مواد ۲۱۰، ۲۱۲ و ۲۱۳ قانون مذکور هر گاه کسی دختر دیگری را مورد ضرب قرار می داد و ضرب دختر حامله و سقط جنین او منجر به مرگش می شد، اگر دختر (مجنی علیه) از اشراف بود، دختر ضارب را می کشتند و اگر از عوام بود ضارب می بایست نیم مینای نقره می پرداخت و اگر کنیز بود می بایست ضارب  $\frac{1}{3}$  مینای نقره پرداخت می نمود. (بادامچی، ۱۳۷۹: ۹۱)



## ۱-۵ - قوانین هیتی ها

تمدن هیتی ها بنا به روایت قدیم حدود ۱۶۵۰ تا ۱۵۰۰ قبل از میلاد و بنا به روایت متأخر ۱۵۰۰ تا ۱۱۸۰ قبل از میلاد می زیسته اند. قوم هیتی ابتدا در آسیای صغیر و در جنوب فلات آناتولی ساکن بودند، در محلی که امروزه به نام بوغازکای معروف است. این منطقه در حال حاضر جزء استان یوزگات ترکیه است. (اکبری رومنی، ۱۳۷۹: ۸۷)

الواح باقی مانده از این قوم شامل ۲۰۰ ماده قانونی است که طی سال های ۱۹۰۶ و ۱۹۰۷ میلادی توسط باستان شناسان آلمانی و چک کشف شده است. این الواح به زبان هیتی یایی و خط میخی است. با بررسی الواح مذکور مشاهده می شود که شش ماده قانونی فقط اختصاص به قتل نفس داشت و در تمام این شش ماده مجازات جریمه نقدی و جبران خسارت برای قاتل وجود داشته است، البته بسته به این که قتل در حال نزاع باشد یا غیر نزاع یا این که ضرب و جرح منتهی به قتل با دست صورت گرفته باشد یا غیر آن و این که مقتول آزاد باشد یا برده و یا قتل در سرزمین هیتی ها یا خارج از آن رخ داده باشد، میزان جبران خسارت در نوسان بوده است. به همین خاطر ترجمه مواد قانونی مربوطه عیناً ذکر می شود:

ماده ۱- اگر شخصی مرد یا زنی را در حین مرافعه بکشد، مسئول شناخته خواهد شد و چهارنفر مرد یا زن خواهد داد و املاکش را به عنوان وثیقه گرو خواهد گذاشت.

ماده ۲- اگر شخصی مرد یا زن برده ای را در حین مرافعه بکشد، مسئول شناخته خواهد شد و او دو نفر زن یا مرد خواهد داد و املاکش را به عنوان وثیقه گرو خواهد گذاشت.

ماده ۳- اگر شخصی به مرد یا زنی ضربه ای وارد آورد که به واسطه آن بمیرد و این عمل را تنها با دستش انجام داده باشد، مسئول شناخته خواهد شد و دو نفر خواهد داد و املاکش را به عنوان وثیقه گرو خواهد گذاشت.

ماده ۴- اگر شخصی به مرد یا زنی برده ضربه ای وارد آورد که به واسطه آن بمیرد و این عمل را تنها با دستش انجام داده باشد، مسئول شناخته خواهد شد و یک نفر خواهد داد و املاکش را به عنوان وثیقه گرو خواهد گذاشت.

ماده ۵- اگر شخصی یک بازرگان اهل هیتی را بکشد، صد مینا نقره خواهد داد و املاکش را به عنوان وثیقه گرو خواهد گذاشت. اگر این مسئله در سرزمین لویا یا پالا اتفاق افتاده باشد، صد مینا نقره خواهد داد و کالاهای بازرگان را بر خواهد گرداند. اما اگر این امر در سرزمین هیتی اتفاق افتاد باشد تنها خودش برای بازرگان مسئول شناخته خواهد شد.



ماده ۶- اگر مردی روی مزرعه شخص دیگری بمیرد، در صورتی که فردی آزاد باشد، مالک ملک باید زمین، آیش، خانه، یک مینا و بیست شکل نقره بدهد. اما اگر این اتفاق در زمین مزروعی و غیر مزروعی کسی واقع نشده، مسافتی به طول و عرض سه لیگ در نظر گرفته می شود و وارث هر تعداد روستایی که در چهارچوب آن قرار گیرد خواهند گرفت. اما اگر هیچ روستایی در این ناحیه وجود نداشته باشد، ادعای وارث ثابت نمی شود. (اکبری رومنی، ۱۳۷۹: ۹۲-۹۱)

با وجود این مواد قانونی در تمدن هیتی ها، فرامین سلطنتی نیز از منابع مهم حقوق به شمار می رفت که البته گاهی اوقات این فرامین با مواد قانونی در تضاد بود و به نظر می رسد در این موارد فرامین پادشاه در اولویت بوده است. در فرمان تلی پینوس پادشاه هیتی آمده است: «قانون خون از قرار زیر است: هر کس خون دیگری را بریزد هر گاه ولی خون یگوید او باید بمیرد، باید چنین شود، ولی اگر بگوید باید دیه پردازد مجبور است که چنین کند.»

رسم دادن نفر به عنوان جبران قتل نیز قابل توجه است و این کار به طور عموم در مورد بردگان اجرا می شد. این که نزدیک ترین دهکده، مسئول پرداخت غرامت به خانواده مقتول در صورت فرار قاتل باشد، رسم متداولی در سرزمین های شرقی بوده است. (بهزادی، ۱۳۷۸: ۲۳)

از بین الواح مکشوفه مشخص است که رسیدگی به اتهام قتل عمد توسط انجمنی به نام «پانکوس» که مرکب از همه هیأت جامعه هیتی یابی است صورت می گرفته است، همچنان که در قانون نامه حمورابی محاکمه و صدور حکم مخصوص قضات پادشاهی است. دادگاه بابل در واقع تأسیسی شبیه دیوان عالی بوده و محاکمات نهایی در آنجا انجام می شده است. (میلانی، ۱۳۸۷: ۱۶۲)

## ۲- مجازات قتل عمد در ایران باستان

ابتدا لازم به ذکر است که بعضی از موارد اشاره شده در قسمت اول در مبحث قانون نامه های باستانی مثل قانون نامه حمورابی مربوط به تاریخ ایران باستان است، زیرا تمدن بابل نیز در قسمتی از جغرافیای فعلی ایران قرار داشته است و لیکن منظور نظر ما در این مبحث بیشتر قانون گذاری صورت گرفته در عهد هخامنشیان به بعد است.

نویسندگان تاریخ حقوق را اعتقاد بر این است که هر چند فرّ و شکوه ایران باستان در پرتو قوانین و اصول عالیه است که وجود داشته ولی بسیاری از مدارک و اسناد آن بر اثر استیلای اسکندر و عرب و مغول و تاتار از بین رفته است. (صالح، ۱۳۸۶: ۱۲۳)



تحقیقات صورت گرفته حکایت از این دارد که در ایران باستان جرایم به دو دسته جرایم عمومی و جرایم خصوصی تقسیم می شده است. اعمالی از قبیل سوء قصد علیه جان و مال پادشاه و بستگان او، توطئه علیه تاج و تخت، طغیان و یاغی گری، جاسوسی و خیانت و ادعایی از این قبیل جزء جرایم عمومی بوده که مرتکبین به مجازات های سنگین و توأم با شکنجه محکوم می شدند و حال آن که جرایمی چون ایراد ضرب و جرح و قتل جزء جرایم خصوصی بودند که در مجازات آنها رعایت قصاص می شده است. (محسنی، ۱۳۷۵: ۱۴۶)

منسجم ترین قوانین ایران عهد هخامنشی مربوط به دوران داریوش است. داریوش بعد از فراغت از کشورگشایی با مشورت مشاورین مجرب دست به تهیه قوانینی مناسب برای امپراطوری ایران زد. این پادشاه جوان علاوه بر این که همچون سایر پادشاهان ایران باستان قوانین و فرامین خود را طبق اصول اوستا بیان می کرد، در وضع این قوانین به قانون نامه حمورابی نیز توجه داشته است.

در یکی از کتیبه های داریوش در نقش رستم آمده است که داریوش بزرگ می گوید هر کس را که آزاری برساند مطابق آزاری که رسانیده است تنبیه می کنم و هر گز اتفاق نیفتاده است که کسی آزاری کرده و تنبیه نشده باشد. (محسنی، ۱۳۷۵: ۱۴۷)

در بند ۸ از ستون اول کتیبه بیستون نیز آمده است که داریوش شاه گوید: «در این کشور هر کس که درست کردار بود نواختم و آن که بدکردار بود سخت مورد بازخواست قرار دادم، به یاری خدا این کشورها قانون مرا احترام گذاشتند و چنان که از من گفته شد همان کردند.» (احمدی، ۱۳۴۶: ۶۵)

در منشور کورش که در قرن پنجم قبل از میلاد و پس از فتح بابل صادر شده است و در زمان حیات وی به سه زبان پارسی، عیلامی و بابلی بر روی استوانه هایی از گل پخته نقش گردیده است، هر چند به طور صریح اشاره ای به اصل قانونی بودن جرایم و مجازات ها نشده است، اما رویکردهای مبتنی بر حقوق بشر از جمله اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری را می توان در آن یافت. (میلانی، ۱۳۸۷: ۱۶۶)

اما بعد از او و در زمان جانشینانش در بسیاری اوقات، اصل شخصی بودن مجازات ها نادیده گرفته می شد، به ویژه این که جرم رنگ و بوی سیاسی نیز به خود گرفته باشد.





آورده اند که کمبوجیه هنگام تصرف مصر، فرستاده ای را با کشتی کوچک نزد مصریان که در نقطه ای به نام ممفیس<sup>۱</sup> پنهان شده بودند فرستاد و به آنها دستور داد که خود را تسلیم کنند. آنها وقتی کشتی را در حال رسیدن به ممفیس مشاهده کردند از دیوار محل اقامت خود عبور کردند و قطعات متلاشی شده کشتی را به طرف قلعه محل اقامت خود بردند. سرانجام کمبوجیه پس از چیره شدن بر مصریان موضوع را به قضات شاهی واگذار کرد. قضات شاهی نیز رأی خود را بر این مبنا صادر کردند که در مقابل هر نفر از سرنشینان کشتی از بین رفته ده تن از زبده ترین و سرشناس ترین مصریان کشته شوند. (خدادادیان، ۱۳۷۸: ۶۶)

در دوره اشکانیان نیز مجازات مرتکب قتل عمد، سلب حیات بوده است. البته با بررسی منابع تاریخی به نظر می رسد جنایت قتل عمد در عهد اشکانیان یک جرم قابل گذشت و لیکن در زمان های قبل و بعد از آن غیر قابل گذشت بوده است.

در دوره اشکانی جنایاتی که بین خانواده ها واقع می شد مثل قتل زن به دست شوهر یا قتل پسر و دختر به دست پدر یا قتل خواهر به دست برادر و یا جنایات مابین پسران و دختران به دادگاه عمومی ارجاع نمی شد بلکه کلیه اعضاء خانواده با گردهمایی و تشکیل یک محاکمه خانوادگی ضمن حصول توافق میان خود قضیه را حل و فصل می کردند. (احمدی، ۱۳۴۶: ۵۹)

در دوره ساسانیان نیز جنایات به سه نوع تقسیم شده بودند: ۱- جنایت نسبت به مذهب (ارتداد) ۲- جنایت نسبت به شاه مانند خیانت و سرکشی و طغیان و شورش و فرار از قشون در موقع جنگ ۳- جنایت نسبت به اشخاص یعنی تعدی نسبت به دیگری یا اموال دیگری. (پیرنیا، ۱۳۸۵: ۲۴۱) و قتل عمد در زمره جنایات نوع سوم قرار می گرفت.

با بررسی منابع حقوقی عهد ساسانی کاملاً مشخص است که یکی از مواردی که مستوجب مجازات اعدام بوده همان قتل عمدی می باشد. مطابق مندرجات دینکرد و کتب تاریخی، مجازات قتل عمد، کشتن مرتکب بوده است. در دینکرد آمده است: «هر گاه دو نفر با یکدیگر نزاع کنند، هر دو گناهکار محسوب اند اما اگر یکی به دیگری زخم مرگ آور بزند و نهایتاً سبب مرگ وی گردد، مجازات زننده مرگ ارزان است.» و در ماتیگان هزار داستان از منابع حقوقی دیگر عهد ساسانی نیز آمده که هر کس مرتکب قتل عمد شود مجازات وی مرگ ارزان است. در نامه تنسر نیز آمده است که «به روزگار سابق سنت آن است که زننده را باز زنند و خسته کننده را خسته کنند.» (واحدی نوایی، ۱۳۸۰: ۱۲۸-۱۲۶)



ایرانیان باستان به آزادی و حقوق فردی انسان احترام می گذاشتند و وارد آوردن کمترین صدمه به تن آدمی را به شدت ناروا می شمردند. بحث جرایم علیه تمامیت جسمانی اشخاص در بندهای ۱۷ تا ۴۴ فرگرد چهارم وندیداد بیان شده است، در این قسمت پیرامون جرم قتل صراحتاً مطلبی بیان نشده است ولی در زیر بند چهارم وندیداد آمده است که: اگر مردا پرستان کالبد مرده را تا یک سال از کتّه یا دخمه «گور» بیرون نبرند سزای آنان برابر سزای کسی است که مرد پارسایی را بکشد که سزای چنین کسی مرگ ارزان یعنی اعدام است. لذا با توجه به مورد مذکور نتیجه می گیریم که مجازات مرتکب قتل عمد نیز اعدام بوده است. (خداکرمی، ۱۳۸۶: ۳)

از تحقیقات و بررسی هایی که محققین در زمینه تاریخ ایران باستان به عمل آورده اند معلوم می شود که جرم قتل در اوستا از اهمیت بالایی برخوردار بوده و تصمیم قبلی قاتل در ارتکاب جرم، تهیه وسیله ارتکاب جرم و نوع قتل ارتکابی در شدت و ضعف مجازات ها تاثیر به سزایی داشته و مورد نظر بوده است.

طبق مقررات اوستا در مورد مرتکبین قتل عمد، مجازات اعدام اجرا می گشت. حتی بر حسب مندرجات اوستا، نطفه چهار ماه و یک روز بعد از انعقاد عنوان جنین پیدا می کند و اگر کسی جنینی را سقط می کرد گناهکار شمرده می شد و مجازاتش مجازات قتل عمد بود. (خداکرمی، ۱۳۸۶: ۲) البته مرعی داشتن قوانینی که به مرگ اشخاص منجر می شد سخت مورد تحریم و احتیاط بوده است، در فصل ۴۱ دینکرد آمده است که هر گاه کسی به دلیل کشتن و گرفتن جان شخص دیگری محکوم به مرگ شده باشد اجرای اعدام در مورد او، بدون مراسم مذهبی خواهد بود. به نظر می رسد این امر به دلیل حرمت جان آدمیان و قبح زیاد کشتن غیر است که بدین وسیله در مقابل عمل ناشایست یک قاتل به روح وی بی احترامی می شود. (واحدی نوایی، ۱۳۸۰: ۸۶) و (جوان، ۱۳۴۲: ۱۰۹)

در قوانین کیفری زردشتی بعضی احکام اخلاقی و حقوق بشری دیده می شود، مثل این که به محکومان به اعدام (مرگ ارزان) باید به اندازه کافی خوراک و غذا رسانید. شیوه اعمال مجازات اعدام نیز گاهی اوقات با توجه به وضعیت مجنی علیه و سلیقه شخص پادشاه متفاوت بود به عنوان مثال بیان شده که پورانداخت برای قاتل اردشیر شیروی مقرر داشته است که قاتل را به دم اسب بسته اند و سواری اسب را چنان تازانده است که محکومی که به دم وی آویزان است به هلاکت رسیده است. (امین، ۱۳۸۶: ۱۲۸-۱۲۷)



همچنین در مورد شیوه اجرای این مجازات اعدام آمده است که گناهکار را مجبور می کردند زهر بنوشد یا او را به چهار میخ می کشیدند یا به دار می آویختند، یا سنگسارش می کردند، یا جز سر بدن او را در خاک می کردند یا سرش را میان دو سنگ بزرگ می کوفتند. (راوندی، ۱۳۶۸: ۱۲) و (صفی زاده، ۱۳۹۱: ۱۱۸)

در پایان شایان ذکر است که در متون حقوقی عهد ساسانیان، قتل عمد علاوه بر این که جرمی نابخشودنی است، گناهی بس بزرگ نیز به شمار می رود. در فصل ۲۱ ارداویراف نامه که جریان حکایات رفته بر ویراز طی معراج هفت شبانه روزی وی و شرح مشهوداتش از جهان آخرت است، آمده است که: «و دیدم روان مردی را که پوست سرش را به پهنا می کشیدند و او را با مرگ سختی می کشتند و پرسیدم: این تن چه گناه کرده که روان او چنین باد افرهی را تحمل می کند؟ سروش اهلو و ایزد آذر گفتند: این روان آن مرد دروَنَد است که در گیتی مرد اهلو را بکشت.» (حقیقت، ۱۳۸۶: ۱۱۳)

### ۳- مجازات قتل عمد در تمدن های کهن اروپایی

#### ۳-۱- روم

از منابع و مآخذ حقوق قدیم رم، قانون الواح دوازده گانه می باشد که در واقع تاریخ حقوق رم از این الواح آغاز می شود. طبق این قانون، مجازات قتل عمد قصاص بوده است و البته انتقام جویی خصوصی از مجرم در موارد خاصی مثل قتل و سرقت شبانه پذیرفته شده بود.

بررسی های صورت گرفته توسط علماء تاریخ حقوق رم حاکی از این است که مجازات مرتکب قتل عمد با توجه به طبقه اجتماعی قاتل متفاوت بوده است. طبق قانون لکس کورنلیا<sup>۱</sup> که مبنای بسیاری از قوانین امروز اروپا است، مجازات بزه قتل عمد هر گاه مرتکب از طبقه اشراف بود، تبعید و هر گاه از سایر طبقات بود، سلب حیات مقرر گردیده بود. (جندی، ۱۹۴۲: ۶۷۶)

طبقه اجتماعی جانی، علاوه بر نوع مجازات بر شیوه اجرای آن نیز تأثیر گذار بود، کما این که طبق قانون فوق مقرر شده بود «قاتل هر گاه از طبقه اشراف باشد، کیفرش تبعید است و چنانچه از طبقه متوسط بود، کیفرش گردن زدن و اگر از طبقه پست بود به کیفر میخکوب شدن بر صلیب محکوم می شد.» ولی با اصلاحاتی که بعداً در قوانین رم به عمل آمد مقرر شد در صورتی



که قاتل از طبقه پست باشد باید در قفس درندگان افکنده شود و پس از آن، این حکم به اعدام به وسیله دار تبدیل شد. (شامبیاتی، ۱۳۸۵: ۷۴)

شیوه اعمال مجازات، با توجه وضعیت ارتکاب جرم یا موقعیت مجنی علیه و جنسیت وی نیز متفاوت بود به عنوان مثال کسی که والدین خود را به قتل می رساند این گونه مجازات می شد که مرتکب را با یک سگ، یک خروس، یک افعی و یک میمون درون کیسه ای می کردند و داخل آب می انداختند. این مجازات تا قرون وسطی به همین ترتیب اجرا می شد.

اعدام خصوصاً هنگامی که مرتکب یک مرد بود، یک مراسم و مناسبت عمومی تلقی می شد چون قربانیان آن جهت اجرای این مراسم برهنه می شدند. زنان در خلوت اعدام می شدند تا شرم و حیا رعایت شود. (روت، ۱۳۸۵: ۵۵)

نکته قابل ذکر دیگر در تاریخ حقوق رم در باب قتل عمد این است که علاوه بر این که مجازات مرتکب قتل عمد سلب حیات بود، حتی قبل از آن یک سری آثار تبعی بر چنین شخصی بار می شد به عنوان مثال آمده است که کنستانتین امپراطور حکم کرد که یک زن می تواند در صورتی که شوهرش قاتل، زندانی، یا بی حرمت به سنگ قیر باشد از او جدا شود، علاوه بر این به طور کلی اشخاص محکوم، حق اعتراض به آراء صادره را داشتند مگر در مورد جنایاتی مثل قتل، زنا و خشونت. (جوانمرد، ۱۳۸۶: ۵)

در پایان باید گفت آنچه اصطلاحاً از حقوق رُم مستفاد می شود ترکیبی از قوانین رُم و اقوام توتُن است. قانون رُم در سراسر امپراطوری روم به صورت یکسان و یکنواخت لازم الاجرا بود ولی قانون توتن قانون عشایری و مبنای آن وفاداری نسبت به رؤسا و عشایر بوده است. قانون رم از همان اوایل امر نوشته شد و سرانجام در قرن ششم میلادی با نظم و ترتیب خاصی ضمن مجموعه ژوستینین تدوین گردید ولی قانون توتن سینه به سینه انتقال یافت. نفوذ کلیسا نیز در قوانین جزایی رم کاملاً محسوس بود و بعداً کیفر اعدام به تدریج تخفیف یافت و فقط در مورد بعضی از جنایات مثل قتل و خیانت به کشور اجرا می شد. (صالح، ۱۳۸۶: ۴۲۱-۴۱۹)

## ۲-۳- یونان

یکی دیگر از تمدن های کهن اروپایی تمدن یونان است. از منابع و مآخذ حقوق قدیم یونان دو منظومه بزرگ حماسی به نام ایلیاد و اودیسه اثر هومر حماسه سرای بزرگ یونانی است که به قولی حدود ۹۵۰ سال پیش از میلاد به رشته نظم درآمد و از گرانمایه ترین آثار ادبی یونان است.



از عهد هومر تا قرن هفتم که شهرهای یونان به تدوین قانون پرداختند، قانون اساسی یونان دگرگونه شد. خانواده های مقتول که قبلاً در مقام خونخواهی و انتقام جویی از قاتل آزاد بودند به حکم قانون گردن نهادند و قتل از جرائم عمومی شناخته شد. (صالح، ۱۳۸۶: ۳۱۷)

نخستین قانون نوشته شده تمدن یونانی به نام قانون دراکو، منسوب به دراگون قانونگذار بزرگ این کشور است که حدود ۶۲۱ سال پیش از میلاد مسیح می زیست. این قانون تدوین شده قوانین پراکنده یونان بود که البته نوآوری هایی نیز داشت. به موجب این قانون اغلب جرایم مستوجب مجازات اعدام بود.

یکی از جرایم مهمی که در قانون دراکو مورد بررسی واقع شده جرم قتل است، به موجب این قانون قتل های عمدی که در اثر هیجان روی می دادند و همچنین قتل های غیرعمدی یا اتفاقی و قتل های عمد باسبب تصمیم از حیث مجازات مرتکب با هم متفاوت بودند. قتل در مقام دفاع مشروع شامل قتل های اتفاقی در جریان مسابقات ورزشی، به قتل رساندن مردی که زنای محصنه علنی مرتکب می شود و قتل هایی که در جنگ واقع می شوند می باشند. مرتکبان صرفاً در مورد قتل های عمدی باسبب تصمیم به اعدام محکوم می شدند و در مورد سایر انواع قتل، مجازات تبعید مقرر شده بود.

شیوه اجرای مجازات اعدام در یونان سابق متفاوت بوده است ولی در خصوص این که آیا اعدام از طریق سنگسار کردن نیز در یونان قدیم وجود داشته یا خیر؟ باید گفت هر چند آتنی ها در طول دوران تاریخ خود سنگسار کردن را به عنوان شیوه قانونی اعدام به رسمیت نشناختند لیکن این شیوه اعمال مجازات اعدام در بخش هایی از یونان و در مورد جرایمی مثل قتل عمدی پادشاه، توهین به مقدسات و خیانت به کشور انجام می گرفت. تأسیس دادگاه عالی برای رسیدگی به جرایم مهم نظیر قتل عمد و به آتش کشیدن از نوآوری های قانون دراکو است به همین خاطر بسیاری از پژوهشگران برآنند که این نخستین بار است که تفکیکی میان دادگاه های مدنی و کیفری صورت گرفت. (روت، ۱۳۸۵: ۴۲-۴۱)

از نظر زمان اجرای مجازات در خصوص مرتکب قتل عمد، تاریخ حقوق کیفری یونان بیانگر این است که بر خلاف اسپارتی ها که اعدام های خود را شبانه انجام می دادند، آتنی ها اعدام را در روز انجام می دادند و رسیدگی های قضایی برای بیشتر جرایم بجز قتل عمد بر پایه نظر هیأت منصفه بود که از ۲۰۱ تا ۲۵۰۱ نفر عضو داشت. (روت، ۱۳۸۵: ۴۶)



قانون دراگو که مبتنی بر شدت مجازات بود تا مدت ها بر یونان حکومت داشت تا این که بعد از او سُلن سیاستمدار و قانون گذار دیگر آتن به روایت پلو تارک جمیع قوانین دراگون را به استثنای مواد مربوط به قتل فسخ کرد. (صالح، ۱۳۸۶: ۳۲۷) بنابراین مقررات قانون دراگون در خصوص قتل همچنان باقی بود.

#### ۴- مجازات قتل عمد در قوانین متفرقه

علاوه بر موارد اشاره شده فوق در قانون نامه های باستانی، ایران باستان و تمدن های کهن اروپایی یعنی روم و یونان، در سایر قوانین متفرقه نیز به مجازات قتل عمد پرداخته شده بود.

در روزگاران قدیم اعتقاد عمومی بر آن بوده است که هر گاه کسی مقتول شود تا زمانی که انتقام وی از قاتل گرفته نشود و قاتل به مجازات نرسد، روح مقتول هر گز روی آسایش و آرامش نخواهد دید. لازمه آسودگی روح وی آن بوده که انتقام وی گرفته شود و قاتل به مجازات برسد. شکسپیر در اثر جاودانه خود «هاملت» بیان می دارد که چون پدر هاملت بی گناه بر اثر توطئه و دسیسه به دست برادر و با معاونت همسر خود به طور ناجوانمردانه به قتل رسید، روح بی قرار مقتول هر گز نتوانست روی آسایش به خود ببیند به همین علت هم بر فرزندش هاملت ظاهر شد و از او خواست که انتقامش را از قاتلینش بگیرد. (محسنی، ۱۳۷۵: ۱۵۵-۱۵۴)

در پاره ای از قوانین قدیم مانند ژرمن و فرانک اعدام قاتل بر مبنای انتقام شخصی بود ولی اجرای آن الزامی نبود، بلکه ولی دم می توانست از قاتل یا کسان او به عنوان خون بها مالی گرفته و او را ببخشد. پس از مدتی این ترتیب نیز ملغی شد و همان سیستم قصاص به قوت خود باقی ماند. به نحوی که می توان گفت از حدود قرن سیزدهم میلادی به این طرف تقریباً همه جا مجازات قاتل عمدی به طور کلی اعدام بود. (شامبیاتی، ۱۳۸۵: ۷۶)

در یاسای چنگیزی نیز برای قتل عمد، مجازات مرگ پیش بینی شده بود. سلب حیات قاتل به صورت سوزاندن وی یا درون روغن گداخته فرو بردن او متداول بود. اغلب بستگان مقتول نیز به قتل می رسیدند و ثروت آنان ضبط می شد، ولی اعضاء خانواده سلطنتی را خفه می کردند تا خون آنها ریخته نشود. شایان ذکر است قتل یکی از مسلمانان طبق قانون یاسای چنگیزی با پرداخت خسارت جبران می شد. البته ترخان ها که همان بزرگان قوم مغول بودند می توانستند تا نه بار بدون مجازات مرتکب جرم شوند. (راوندی، ۱۳۶۸: ۱۷۱)



از نظر تاریخ حقوق انگلستان نیز نخستین قوانین نوشته یا احکام و فرامین انگلوساکسون ها به آلتبرت<sup>۱</sup> از اهالی کنت در سال ۵۷۰ میلادی بر می گردد. این قوانین بر پایه آداب و رسوم محلی بنا شده است و یکی از نخستین اسناد قانونی در تاریخ انگلستان به شمار می رود.

به موجب این قانون اگر یک فرد عادی کشته می شد ارزش حیات او معادل دویست شلینگ بود در حالی که این مبلغ در خصوص نجیب زادگان به شش برابر می رسید. (روت، ۱۳۸۵: ۶۹)

نوع طبقه اجتماعی و وضعیت متهم تا چندی قبل حتی در شیوه اعمال مجازات در اروپا تأثیر گذار بوده است، کما این که در مورد نحوه اجرای مجازات اعدام در فرانسه مرسوم بوده است که نجبا را گردن می زدند حال آن که افراد عادی را به دار می آویختند. (محسنی، ۱۳۷۵: ۱۶۸)

این واقعیتی تلخ است که استفاده از روش های مخوف برای اعدام ابزاری مشهود برای ایجاد رعب و وحشت و تداعی کردن عواقب زندگی غیر اخلاقی در جامعه بوده در قرون ۱۷ و ۱۸ در کشورهای اروپایی شکستن اعضای بدن مجرم پس از قرار دادن او روی یک چرخ پره دار، قرار دادن اجسام سنگین بر روی محکومین، جوشاندن در روغن تا زمان مرگ، سوزاندن با گاز انبر گذاشته و سپس پاره پاره شدن به وسیله اسب، حلق آویز شدن، کشیدن و چهار پاره کردن و یا غرق کردن از جمله مجازات های رایج بود که گاهی در حین اجرای حکم نیز شکنجه هایی بر محکومان اعمال می شد. سریا بدن اعدامی نیز تا زمان فاسد شدن در معرض دید عموم گذاشته می شد و برای مثال تا سال ۱۸۳۲ در انگلستان اعدام به وسیله زنجیر و نمایش جسد اعدامی روی چوبه های کار گذاشته شده در محل های پر رفت و آمد متوقف نشد. در آمریکا قبل از زمان استقلال، مجازات مرگ به اشکال مختلفی مانند به دار آویختن، سوزاندن در کنار تیرک و قطعه قطعه کردن و بریدن اندام اجرا می شد. در چین مجرمان برخی اوقات با اره به دو نیم شده یا زنده زنده پوست کنده می شدند و یا با ایجاد بریدگی های متعدد به تدریج کشته می شدند. (هود و هوپل، ۱۳۹۱: ۳۰)



## ۵- مجازات قتل عمد در ادیان الهی

### ۵-۱- یهود

یهود پیروان حضرت موسی (ع) هستند. احکام شریعت یهود در تورات کتاب آسمانی این پیامبر الهی بیان شده است که بعدها از بین رفته ولی کتاب های عهد عتیق و تلمود که توسط علماء و مفسرین یهودی نوشته شده است باقی می باشند.

در تنظیم اصول مقرر در کتاب تورات از اصول منشور حمورابی که در آن زمان یکی از منابع مسلم علمای یهود بود نهایت درجه استفاده به عمل آمده است. (خداکرمی، ۱۳۸۶: ۴)

قانون موسی در پنج سفر نخستین کتاب مقدس و عهد عتیق مشاهده می شود. پنج سفر نخستین کتاب مقدس حاوی ده فرمان است و تصور بر این است که نظام حقوقی بسیاری از جهان غرب بر پایه آن استوار است. یکی از این ده فرمان این است که «مرتکب قتل نشو». (روت، ۱۳۸۵: ۳۲)

بر اساس مقررات تلمود، هیچ عملی جرم و در نتیجه قابل مجازات نیست مگر آن که در تورات هم ارتکاب آن منع و هم برای آن مجازات تعیین شده باشد. از این رو برای اجرای حکم مجازات درباره قاتل باید دو حکم در شریعت وجود داشته باشد: یکی «قتل مکن» و دیگری «قاتل باید کشته شود» که هر دو نیز وجود دارد. (سلیمانی، ۱۳۸۲: ۱۴۲)

بررسی های صورت گرفته حکایت از این دارد که در آیین یهود دو نوع قتل وجود داشته است یکی قتل عمد و دیگری قتل خطایی. موارد قتل عمد در آیاتی از تورات ذکر شده است، مثلاً در سفر اعداد، فصل ۵، آیات ۱۶-۲۱ آمده است: «و اگر او (مقتول) را به آلت آهنین به حدی بزند که بمیرد، زنده قاتل است و قاتل البته کشته شود. و اگر او را به سنگی که سبب قتلش باشد بزند که بمیرد، زنده قاتل است و قاتل البته کشته شود و اگر او را از روی عداوت هدف نماید این که بر او از کمین گاهی چیزی بیندازد که بمیرد یا این که از روی کینه بزند که بمیرد، پس زنده البته کشته شود چون که قاتل است، ولی مقتول وقتی که به قاتل برخورد او را بکشد.» حتی در مورد قتل به تسبیح نیز گاهی اوقات مجازات مرگ پیش بینی شده بود. به عنوان مثال در سفر خروج، فصل ۲۱، آیه ۲۸ ذکر شده است که اگر گاوی قبلاً عادت شاخ زدن می داشت و صاحبش آگاهی داشته و آن را نگه نکرده تا مرد یا زنی را کشت، صاحب گاو کشته خواهد شد. (نوبهار، ۱۳۸۶: ۱۸۶)

در کتاب عهد عتیق در مورد اولین قتل ناحق چنین آمده «قائن (قابیل) فرزند آدم (ع) هدیه ای نزد خداوند آورد که قبول نشد ولی هابیل برادر کوچکترش هدیه ای نزد خداوند آورد و خداوند آن را پذیرفت. قائن از این واقعه به شدت ناراحت شد و سپس





هابیل را در صحرا کشت.» همچنین در کتاب مقدس آمده «هنگامی که قابیل برادرش هابیل را کشت، خدا قابیل را به مرگ محکوم نکرد بلکه او را به زندگی همچون فراریان و خانه به دوشان در زمین محکوم نمود.»

جالب توجه این است که تمایزی که امروزه در قوانین کیفری در مورد اقسام قتل های عمد از غیر عمد وجود دارد آن موقع نیز وجود داشته است. قتل عمدی که با سبق تصمیم ارتکاب یافته باشد همچون قتل عمدی درجه اول در دوران معاصر مستوجب اعدام بود، اما مرتکبان قتل غیر عمدی مجاز بودند به شهرهای امن پناه ببرند. سر بردن به عنوان سریع ترین و پاک ترین شکل اعدام مورد توجه بود و در مورد قتل عمدی با سبق تصمیم اجرا می شد. (روت، ۱۳۸۵: ۲۹۰)

در آیات ۲۲ و ۲۳ از فصل ۳۱ سفر تورات مثنی آمده است که «و اگر در کسی خطای مستلزم مرگ باشد کشته شود، او را بر دار آویزان کنی و نعش او در شب بر دار آویزان نماند، بلکه او را باید که در همان روز مدفون نمایی، چون شخصی که بر دار آویخته شد ملعون خدا است تا آن که زمینی که خداوند خدایت ارثیت به تو می دهد ملوث نشود.»

بنابراین با توجه به موارد مذکور و سایر آیات تورات مشخص است که مجازات مرتکب قتل عمدی در آیین یهود، قصاص بوده است و حتی اگر به شهرهای امن می گریخت او را گرفته و قصاص می کردند، اما مجازات مرتکب قتل غیر عمدی، تبعید بوده است، یعنی شهرهایی به عنوان نقاط امن مشخص شده بود و قاتل خطئی مکلف بود تا مدت معینی در آن شهرها بماند و از آن شهرها خارج نشود تا از انتقام جویی اولیاء دم مقتول در امان باشد و چنانچه آن مناطق را ترک می کرد محکوم به پرداخت دیه می شد.

نکته قابل ذکر دیگر این است که اولیاء دم در مورد قتل عمد، مکلف به اجرای مجازات قصاص قاتل بودند و اختیاری در عفو جانی یا صلح و سازش با او در ازای دیه یا هر مال دیگری را نداشتند همچنان که در سفر اعداد، باب ۳۵، آیه ۳۱ آمده است «هیچ فدیة به عوض جان قاتل که مستوجب قتل است مگیرید. بلکه البته کشته شود.» و در آیه ۲ آن آمده است «زمینی را که در آن ساکنید آلوده مسازید زیرا که خون زمین را آلوده می کند و زمین را برای خونی که در آن ریخته شده کفاره نمی توان کرد، مگر به خون کسی که آن را ریخته است.» (میرحسینی، ۱۳۸۴: ۶۷-۶۶)



## ۲-۵- مسیحیت

آیین مسیحیت یکی از ادیان بزرگ اسلامی است که خداوند متعال احکام شریعت این دین الهی را در کتاب مقدس انجیل بر حضرت عیسی (ع) به عنوان چهارمین پیامبر اولوالعزم نازل فرموده است و این موضوع در آیاتی از قرآن کریم از جمله آیه شریفه ۴۳ از سوره مبارکه مائده نیز بیان شده است.

حضرت عیسی (ع) به جنبه های اخلاقی و معنوی زندگی اهمیت زیادی می داد و گذشت و چشم پوشی از بدی های مردم را کار نیکویی می دانست لذا پرهیز و خودداری از ارتکاب جرائم در مسیحیت به عنوان یکی از شرایط رسیدن به حیات جاودانه شناخته شده است. کتاب مقدس در این زمینه چنین می گوید: «حضرت مسیح به راه می رفت شخصی دوان دوان پیش او زانو زد و سوال نمود که ای استاد نیکو چه کنم تا وارث حیات جاودانه شوم؟ عیسی بدو گفت چرا مرد نیکو گفتمی و حال آن که نیکو نیست جز فقط خدا، احکام را می دانی: قتل مکن، شهادت دروغ مده، دغا بازی مکن، پدر و مادر خود را حرمت دار.» (خداکریمی، ۱۳۸۶: ۸)

با توجه به موارد مذکور در می یابیم که بزه قتل در آیین مسیحیت، عملی حرام، شنیع و زشت بوده است ولی در مورد این قضیه که آیا مجازات مرتکب قتل عمدی، قصاص نفس بوده یا خیر؟ اختلاف نظر وجود دارد. بعضی معتقدند اولیاء دم مقتول، حق قصاص یا اخذ دیه را نداشته اند و صرفاً عفو و گذشت تعیین گردیده است. از جمله ابوالفتح رازی در جلد اول تفسیر رازی می فرماید: «اهل تورات را قصاص بود و دیه و عفو نبود و اهل انجیل را عفو بود و دیه و قود نبود.» مستند نظریه این گروه، این عبارت کتاب مقدس است که می فرماید: «شنیده اید که گفته شده است چشمی به چشمی و دندانانی به دندانانی و لیکن من به شما می گویم با شریب مقاومت نکنید بلکه هر که به گونه یا رخساره راست شما سیلی بزند، گونه چپ را نیز به سوی او برگردانید و نیز شنیده اید که گفته شده است همسایه خود را محبت نما و با دشمن خود عداوت کن. اما من به شما می گویم که دشمنان خود را محبت نمایید و برای لعن کنندگان خود برکت طلبید و به آنانی که از شما نفرت کنند احسان کنید و هر که به شما فحش دهد و جفا رساند دعای خیر کنید.»

گروهی دیگر معتقدند تنها مجازاتی که برای مرتکب بزه قتل عمد پیش بینی شده بود، پرداخت دیه بوده که به اختیار اولیاء دم گذاشته شده بود. و گروهی نظیر دکتر عوض احمد ادیسی از محققان مصری معتقدند: «دعوت به گذشت و آسان گیری و چشم پوشی از بدی های مردم در مسیحیت امری واجب نبوده است بلکه کار نیکو و مستحبی شمرده شده است. از این رو



دعوت حضرت مسیح به عفو و گذشت و چشم پوشی از بدی های مردم، به معنای لغو و فسخ احکام قصاص نیست و علیرغم این که انجیل در هیچ حالی از حالات جنایت بر نفس به اخذ دیه به صراحت نصی ندارد ولی آنچه از محروم شدن مجنی علیه از اقدام به خونخواهی و انتقام جویی و قصاص فهمیده می شود و آنچه از محبوبیت سازش میان مجنی علیه و جانی استفاده می گردد، این است که معمولاً این مصالحه و سازش با مقداری از مال تحقق می یابد. زیرا این منطق قابل قبولی نیست که انسان را هم از عین حق او و هم از عوض محروم گردانند.» (میرحسینی، ۱۳۸۴: ۲۹-۲۸)

بعضی دیگر از نویسندگان عربی مانند محمد ابوزهره نیز بر همین عقیده اند و بیان می دارند با توجه به عدم فسخ حکم تورات توسط انجیل، حکم قصاص از نظر انجیل هم معتبر است. (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۱، ص ۱۳۶)

به نظر می رسد دیدگاه سوم با منطق عقلی و حقوقی و موازین اصولی سازگاری بیشتری دارد، زیرا حضرت عیسی مسیح (ع) خود تکمیل کننده دین حضرت موسی (ع) بوده است نه ناسخ آن و همان گونه که قبلاً اشارت رفت در آیین یهود، مجازات اصلی مرتکب بزه قتل عمد، قصاص نفس بوده است.

### ۳-۵-اسلام

دین مقدس اسلام به عنوان اکمل ادیان و پیامبر اکرم حضرت محمد (ص) به عنوان آخرین پیامبر الهی است. امروزه جمعیت کثیری از جهانیان (بیش از یک میلیارد نفر) مسلمانند. علاوه بر این تاثیر شگرف آموزه های این دین بر پیروان سایر ادیان نیز انکار ناپذیر است، همان گونه که علماء بزرگ تاریخ ادیان معتقدند «دینی که حضرت محمد (ص) آورد در آغاز امر سرعت و انتشاری عظیم یافت و غالباً با جهاد همراه بود و بر افکار مردم شرق و غرب تاثیری ثابت و دایم نموده ... لیکن همان قدر که صلابت و شدت ظاهری آن مخالفین مقاوم را به وحشت انداخته بود، سادگی و روشنی آن کسان دیگر را مفتون ساخت.» (بایرناس، ۱۳۸۴: ۷۰۵)

هر چند سنت، اجماع و عقل نیز از منابع استنباط حقوق اسلامی به شمار می روند و لیکن منبع اصلی حقوق اسلام کتاب که همانا قرآن مجید است می باشد.

در آیات الهی قرآن کریم، واژه قتل ۱۲ مرتبه و با مشتقات آن جمعاً ۱۷ مرتبه به کار رفته است (خداکرمی، ۱۳۸۶: ۹) مستفاد از مجموع این آیات این است که قتل عمد گناهی بس عظیم است، همان گونه که در آیه ۹۲ سوره مبارکه نساء آمده است که



«هر کس مؤمنی را به عمد بکشد مجازاتش آتش جهنم است که در آن به صورت جاوید معذب خواهد بود و خدا بر آن خشم و لعن کند و عذابی بسیار شدید مهیا سازد.»

در آیات شریفه ۲۷ تا ۳۰ از سوره مبارکه مائده نیز در مورد اولین قتل ناحق چنین آمده است «و بخوان بر آنها به حقیقت و راستی حکایت دو پسر آدم (هابیل و قابیل) را که تقرب به قربانی جستند، از یکی پذیرفته شد و از آن دیگری پذیرفته نشد. قابیل به برادرش هابیل گفت: من تو را البته خواهم کشت. هابیل گفت که خدا قربانی متقیان را خواهد پذیرفت. اگر تو به کشتن من دست برآوری، من هرگز به کشتن تو دست دراز نخواهم کرد و من از خدای جهانیان می ترسم. من خواهم که گناه کشتن و گناه مخالفت تو هر دو به تو باز گردد تا تو اهل جهنم شوی که آن آتش جزای ستمکار است. آن گاه پس از این گفتگو هوای نفس قابیل را بر کشتن برادرش ترغیب کرد تا او را به قتل رساند و بدین سبب از زیانکاران گردید.»

اما در مورد مجازات مرتکب قتل عمد، در کتاب آسمانی قرآن یک دسته آیاتی داریم که به طور کلی به «اصل مقابله به مثل» اشاره دارند از جمله آیه ۴۰ سوره مبارکه شوری ۱ و آیه ۱۲۶ سوره مبارکه نحل ۲ و آیه ۱۹۴ سوره مبارکه بقره ۳ که از این آیات مستفاد می گردد مرتکب قتل عمد مستحق قصاص است و آیات دیگری نیز داریم که مستقلاً و به طور مشخص ناظر به قصاص می باشند مثل آیات ۴۱۷۸ و ۵۱۷۹ از سوره مبارکه بقره. (میرحسینی، ۱۳۸۴: ۳۰)

دین اسلام زمانی در شبه جزیره عربستان شکل گرفت که انتقام جویی در غالب موارد به ویژه قتل عمد، پایه و اساس کار اولیاء دم بود و هیچ گونه حد و حدودی نیز رعایت نمی شد و بسته به قوت و ضعف قبایل گاهی در مقابل مرد، مرد را می کشتند و در مقابل زن، زن را و به این ترتیب مساوات عملی می شد ولی گاهی دو نفر را در مقابل یک نفر می کشتند یا آزاد را در مقابل بنده و گاهی هم کار به جایی می رسید که قبیله ای را به خاطر یک نفر نابود می کردند. (الهیان، ۱۳۷۲: ۱۸۸)

یا در تاریخ عرب از «جنگ بسوس» نام برده شده است که نشانه خشم و کینه و خون خواهی اعراب قبل از اسلام است و به مدت ۴۰ سال بین دو قبیله کلیب و بسوس به طول انجامید. (شامبیاتی، ۱۳۸۵: ۲۲۸)

<sup>۱</sup> - و جزاء سیئه مثلها

<sup>۲</sup> - و ان عاقبتهم فعاقبوا بمثل ما عوقبتم به

<sup>۳</sup> - فمن اعتدی علیکم فاعتدوا علیه بمثل ما اعتدی علیکم

<sup>۴</sup> - و لکم فی القصاص حیوه یا اولی الالباب لعلکم تتقون

<sup>۵</sup> - یا ایها الذین آمنو کتب علیکم القصاص فی القتلی الحر بالحر ...



در این زمان دین اسلام در قرآن کریم اصل شخصی بودن مجازات ها را بیان کرد و صراحتاً اظهار داشت که کسی بار گناه دیگری را به دوش نمی کشد.

بنابراین با توجه به موارد مذکور، هر چند اسلام، مجازات قتل عمد را قصاص نفس قاتل، بیان داشته است و فلسفه آن را نیز حیات از طریق بر پایی عدالت و جلوگیری از تجاوز و هرج و مرج و انتقام جویی های شخصی دانسته و لیکن از طرف دیگر تقاضای اولیاء دم را از شرایط اعمال مجازات قصاص نفس دانسته و هیچ محکمه ای حق صدور حکم بر قصاص نفس قاتل و اجرای آن را بدون تقاضای اولیاء دم ندارد و در آیات متعددی از قرآن مجید، اولیاء دم به عفو قاتل تشویق گردیده اند از جمله این که «اگر کسی ببخشد و بین خود و دشمن اصلاح نماید، اجر او بر خداست<sup>۱</sup>» و «کسانی که از مردم در گذرند و خدا نیکوکاران را دوست دارد<sup>۲</sup>» و «چون صاحب خون بخواهد از قاتل که برادر دینی اوست، بدون دریافت دیه و یا با گرفتن دیه در گذرد کاری است نیکو، پس دیه را قاتل با کمال رضا و خشنودی ادا کند، در این حکم تخفیف و آسانی امر قصاص و رحمت خداوندی است<sup>۳</sup>».

طبق آنچه که انس از پیامبر اکرم روایت می کند هیچ گاه مسئله ای که در آن قصاص وجود داشت، به آن حضرت عرضه نشد مگر این که در آن مسئله به عفو دستور فرمودند. (عوده، ۱۳۷۳: ۲۶۱)

ترغیب اولیاء دم مقتول به عفو قاتل، سیره پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم (ع) بوده است. روایت گردیده که مردی در مقام مشورت از امام (ع) می پرسد: شخصی بر من جنایت کرده است او را ببخشایم یا نزد حاکم طرح دعوی کنم؟ امام (ع) فرمود: این حق توست. لکن اگر عفو کنی کاری نیکو کرده ای. (صادقی، ۱۳۷۶: ۱۷)

همچنین از فرمایشات آن حضرت است که «اولی الناس بالعفو اقدرهم علی العقوبه» یعنی سزاوارترین مردم به عفو کردن، تواناترینشان به هنگام کیفر دادن است.

و در لحظه شهادت در ماه مبارک رمضان سال ۴۰ هجری وصیت نموده است که «... من دیروز همراهتان بودم و امروز مایه عبرت شما می باشم و فردا از شما جدا می گردم، اگر ماندم خود اختیار خون خویش را دارم و اگر بمیرم، مرگ وعده گاه من

۱- شوری/ ۴۰

۲- آل عمران/ ۱۳۴

۳- بقره/ ۱۷۸



است، اگر عفو کنیم، برای من نزدیک شدن به خدا و برای شما نیکی و حسنه است، پس عفو کنید.» (امام علی(ع)، ۱۳۷۹: ۶۳۴-)

(۵۰۲)

### نتیجه

با توجه به آنچه گفته شد در می یابیم که قتل عمد از قدیمی ترین جرایمی است که همواره در سطح جامعه بشری وجود داشته است و تاریخ حقوق حکایت از این دارد که نویسندگان الواح و سنگ نبشه های بیرون آمده از دل خروارها خاک، قرن ها قبل از میلاد مسیح به این جرم توجه داشته اند و طبق قوانین باستانی از جمله اور - نمو، لیپیت - ایشتر، اشنونا، حمورابی و هیتی ها، مرتکب قتل عمد مستوجب سلب حیات بوده است و در بعضی از این قوانین نظیر اشنونا حتی تسبیب در قتل عمد نیز مجازات مرگ را در پی داشته است. البته گاهی اوقات اصل شخصی بودن مجازات ها رعایت نمی شده یا این که موقعیت و طبقه اجتماعی جانی و مجنی علیه در تعیین نوع مجازات مؤثر بوده است.

گاهی اوقات نیز قوانین مذکور با فرامین پادشاهان وقت در تضاد بوده که در این صورت فرامین پادشاهان فرای قانون محسوب و الزام آور بوده است. به عنوان مثال در قوانین هیتی ها، طی شش ماده قانونی مجازات جریمه نقدی و جبران خسارت برای مرتکب در قتل عمد پیش بینی شده بود در صورتی که در فرمان تلی پینوس پادشاه قوم هیتی ها به مجازات مرگ قاتل در صورت تقاضای اولیاء دم مقتول اشاره شده بود و اهمیت موضوع نیز تا جایی بود که رسیدگی به این جرم در بین هیتی ها، توسط انجمنی به نام «پانکوس» که مرکب از همه هیأت جامعه هیتی یایی است صورت می گرفته یا در بین بابلیان وفق قانون نامه حمورابی محاکمه و صدور حکم در این خصوص در صلاحیت انحصاری قضات شاهی بوده است.

در ایران باستان نیز این جرم در زمره جرایم علیه اشخاص بوده است و از افتخارات عظیم آن روزگاران مانند منشور کورش یا کتیبه های تاریخی مانند بیستون و نقش رستم و همچنین منابع حقوقی آن عصر مانند ماتیکان هزار داتستان، نامه تنسر و نیز مقررات اوستا و قوانین کیفری زردشتی و ارداویراف نامه و ... بر می آید که قتل عمد گناهی بس بزرگ و جرمی شنیع و مستوجب مرگ بوده است، حتی طبق مقررات دینکرد، مجازات اعدام در مورد قاتل بدون مراسم مذهبی اجرا می شده است.



در بین رومیان، مجازات مرتکب قتل عمد با توجه به طبقه اجتماعی قاتل متفاوت بوده است. طبق قانون لکس کورنلیا که از قوانین روم باستان می باشد، مجازات بزه قتل عمد هر گاه مرتکب از طبقه اشراف بود تبعید و هرگاه از سایر طبقات بود، سلب حیات مقرر شده بود.

در یونان قدیم نیز طبق قانون دراکو با ریزینی خاص، اقسام قتل عمد بیان و فقط مرتکبین قتل های عمد با سبق تصمیم مستوجب اعدام بودند که رسیدگی به این جرم نیز در دادگاه عالی صورت می گرفت. قانون سُن نیز که ناسخ قانون دراکو در بسیاری جهت بود، قانون مذکور را در این خصوص نسخ نکرد.

در تمامی ادیان الهی نیز، قتل عمد گناهی بزرگ تلقی می شود. در آیین یهود وفق مقررات تورات، قتل های عمد با سبق تصمیم مستوجب مجازات قصاص بود و طریق اجرای این مجازات در مورد مرتکبین به شکل سربریدن بوده است ولی مرتکبین قتل های غیر عمدی می توانستند به شهرهای امن پناه ببرند.

در مورد مجازات مرتکب قتل عمد، در آیین مسیحیت، گروهی معتقدند با توجه به تعالیم کتاب مقدس، اولیاء دم مقتول حق قصاص و اخذ دیه نداشتند و صرفاً عفو و گذشت مقرر شده بود و لیکن به نظر می رسد همان گونه که بعضی از محققین نظیر دکتر عوض احمد ادریس بیان داشته اند دعوت حضرت مسیح به عفو و گذشت و چشم پوشی از بدی های مردم به معنای لغو و فسخ احکام قصاص نیست.

مقررات این جرم در دین مقدس اسلام به عنوان کامل ترین دین الهی، طی کتاب آسمانی قرآن بیان شده است. طبق مقررات اسلامی قاتل عمد، مخلد در آتش جهنم است و مجازات چنین شخصی قصاص نفس است که البته اجرای آن به اختیار اولیاء دم واگذار شده است و آیات، احادیث و روایات حکایت از تشویق اولیاء دم مقتول به عفو و گذشت دارد.



## منابع

### کتاب

- قرآن کریم
- امام علی (ع)، ۱۳۷۹، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، دفتر نشر الهادی، چاپ یازدهم.
- احمدی، اشرف، ۱۳۴۶، قانون و دادگستری در شاهنشاهی ایران باستان، انتشارات وزارت فرهنگ و هنر.
- الهیان، مجتبی، ۱۳۷۲، نگرش فقهی حقوقی پیرامون احکام حدود، قصاص و دیات در فقه امامیه، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم.
- امین، سیدحسین، ۱۳۸۶، تاریخ حقوق ایران، انتشارات دایره المعارف ایران شناسی.
- بادامچی، حسین، ۱۳۸۲، آغاز قانون گذاری (تاریخ حقوق بین النهرین باستان)، انتشارات طرح نو، چاپ اول.
- بایر ناس، جان، ۱۳۸۴، تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی اصغر حکمت، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ پانزدهم.
- پیرنیا، حسن (مشیرالدوله)، ۱۳۸۵، تاریخ ایران قبل از اسلام، نشر نامک، چاپ ششم.
- جندی، عبدالملک، ۱۹۴۲، موسوعه الجنائیه، جلد پنجم، چاپ مصر.
- جوان، موسی، ۱۳۴۲، مجموعه قوانین زردشت یا وندیداد اوستا، چاپخانه رنگین.
- حقیقت، عبدالرفیع، ۱۳۸۶، حکومت دینی ساسانیان، مؤسسه پژوهشی و انتشارات کومش، چاپ اول.
- حمورابی، قانون نامه، ۱۳۷۳، ترجمه کامیار عبدی، انتشارات سازمان میراث فرهنگی.
- خدادادیان، اردشیر، ۱۳۷۸، تاریخ ایران باستان (مجموعه سوم - هخامنشی ها)، نشر به دید، چاپ اول.
- راوندی، مرتضی، ۱۳۶۸، سیر قانون و دادگستری در ایران، نشر چشمه، چاپ اول.
- روت، میچل، ۱۳۸۵، تاریخ عدالت کیفری، جلد اول، ترجمه ساناز الستی، انتشارات میزان، چاپ اول.
- شامبیاتی، هوشنگ، ۱۳۸۵، حقوق کیفری اختصاصی (جلد اول) جرایم علیه اشخاص، انتشارات ژوبین، چاپ دهم.
- صادقی، محمدهادی، ۱۳۷۶، حقوق جزای اختصاصی (جرایم علیه اشخاص - صدمات جسمانی)، نشر میزان، چاپ اول.
- صالح، علی پاشا، ۱۳۸۶، سرگذشت قانون، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم.
- صفی زاده، فاروق، ۱۳۹۱، تاریخ حقوق در ایران باستان، انتشارات جنگل، چاپ اول.





- عوده، عبدالقادر، ۱۳۷۳، حقوق جزای اسلامی، جلد دوم، بازنگری و تحقیق عباس شیری، نشر میزان، چاپ اول.
- محسنی، مرتضی، ۱۳۷۵، دوره حقوق جزای عمومی، جلد اول، انتشارات گنج دانش.
- میرحسینی، سیدحسن، ۱۳۸۴، سقوط قصاص، نشر میزان، چاپ اول.
- میرمحمد صادقی، حسین، ۱۳۹۱، حقوق کیفری اختصاصی (جرایم علیه اشخاص)، انتشارات میزان، چاپ نهم.
- واحدی نوایی، آوا، ۱۳۸۰، نظام جزایی ایران در عصر ساسانیان، نشر میزان، چاپ اول.
- هود، راجر و هوپل، کرولین، ۱۳۹۱، مجازات مرگ، ترجمه فراز شهلائی، انتشارات نگاه بینه، چاپ اول.

#### مقالات

- اکبری رومنی، فرناز، ۱۳۷۹، «درآمدی بر قوانین هیتی ها»، مجله حقوقی و قضایی دادگستری، شماره ۳۱، انتشارات روزنامه رسمی کشور، تابستان.
- بادامچی، حسین، ۱۳۷۹، «قتل در قوانین باستانی»، مجله حقوقی و قضایی دادگستری، شماره ۳۳، انتشارات روزنامه رسمی کشور، زمستان.
- بوترو، ژان، ۱۳۸۲، «قانون نامه حمورابی»، ترجمه حسین بادامچی، آغاز قانون گذاری (تاریخ حقوق بین النهرین باستان)، انتشارات طرح نو، چاپ اول.
- بهزادی، رقیه، ۱۳۷۸، «قوانین بر سنگ نوشته هیتی ها»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۲۶، انتشارات روزنامه رسمی کشور، بهار.
- جوانمرد، بهروز، ۱۳۸۶، «ترجمه بخشی از تاریخ حقوق رم»، ارائه شده برای درس تاریخ حقوق کیفری دکتر علی حسین نجفی ایرندآبادی، نیمسال اول سال تحصیلی ۸۶-۱۳۸۵.
- خداکرمی، نبی، ۱۳۸۶، «بحثی پیرامون عنصر روانی جرم قتل در ادیان الهی و ایران باستان»، سایت معاونت آموزش دادگستری کل استان تهران.
- سلیمانی، حسین، ۱۳۸۲، «احکام ۶۱۳ گانه تورات»، مجله هفت آسمان، شماره ۱۸.

[www.ISEAS.ir](http://www.ISEAS.ir)

پایگاه استنادی ملی مقالات دانشگاهی ایران

[www.Listjournal.ir](http://www.Listjournal.ir) پایگاه استنادی ملی مجلات دانشگاهی ایران

[www.ConferenceList.ir](http://www.ConferenceList.ir) پایگاه استنادی ملی کنفرانس های دانشگاهی ایران



- 
- میلانی، علیرضا، ۱۳۸۷، «اصل قانونی بودن جرائم و مجازات ها در بستر تاریخ»، مجله حقوقی دادگستری، شماره های ۶۲ و ۶۳، انتشارات روزنامه رسمی کشور، بهار و تابستان.
- نوبهار، رحیم، ۱۳۸۶، «مقررات کیفری، جرایم و مجازات ها در تورات»، نامه مفید، شماره ۱۷.